



نبرد سرزوشت؛

# الطاف خفیه

مجموعه پیام های تبیینی پیرامون  
جنگ دوم اسرائیل و آمریکا با ایران





 [payamenehzat.ir](http://payamenehzat.ir)

 @ [paiamenehzat](mailto:payamenehzat)

## فهرست

انتخاب رهبر جدید انقلاب پیام ثبات و اقتدار را به هم پیمانان و کشورهای جهان مخابره می‌کند.	پیام اول	۴
انتخاب رهبر جدید انقلاب، تکلیف بازیگران خارجی را در قبال ایران روشن کرد.	پیام دوم	۵
خسارت‌ها و هزینه‌های جنگ موجب تجدیدنظر در آرمان‌های ملت ایران نشده است.	پیام سوم	۶
شجاعت و انقلابی بودن نهاد فقاقت شیعه به اثبات رسید.	پیام چهارم	۷
طولانی شدن فرایند معرفی رهبر جدید، حاکی از واقعی بودن انتخابات است.	پیام پنجم	۸
التهابات روزهای گذشته، منزلت و ارزش جایگاه ولایت‌فقیه را بیش از پیش عیان کرد.	پیام ششم	۹
جنگ و شهادت آقا بحران دوران جانشینی را به فرصتی بزرگ برای ملت ایران تبدیل کرد.	پیام هفتم	۱۰
جبهه مقاومت با این انتخاب نسبت به تداوم حمایت‌ها و پشتیبانی‌ها اطمینان قلب پیدا کرد.	پیام هشتم	۱۱
با انتخاب رهبر جدید، شرکای راهبردی ایران احساس ثبات قدم در هم پیمانی با ایران پیدا کردند.	پیام نهم	۱۲
جریان‌های اپوزیسیون و سلطنت‌طلب به طور کامل با این انتخاب امید خود را از دست داد.	پیام دهم	۱۳
این انتخاب، انگاره عقب‌نشینی و تسلیم ایران در جنگ را به کلی منتفی ساخت.	پیام یازدهم	۱۴
نهاد حکمرانی و مسئولین نظام با رهبری آماده به کار و بالفعل برای اداره امور کشور روبرو هستند.	پیام دوازدهم	۱۵
انتخاب رهبر جدید، حس غرور ملی و خونخواهی ملت ایران را احیا کرد.	پیام سیزدهم	۱۶
این انتخاب باعث قوت قلب نیروهای مسلح شده است.	پیام چهاردهم	۱۷

## انتخاب رهبر جدید انقلاب پیام ثبات و اقتدار را به هم پیمانان و کشورهای منطقه و جهان مخابره می‌کند.

در پی حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، که با ترور ناجوانمردانه‌ی رهبر انقلاب، حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای همراه شد، صحنه‌ی سیاسی کشور با آزمونی دوباره مواجه گردید. این اقدام وحشیانه نه تنها نتوانست اراده‌ی ملت ایران را در هم بشکند، بلکه عزم ملی را برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی تقویت کرد. در این شرایط، مجلس خبرگان رهبری، مطابق قانون اساسی، بررسی گزینه‌های جانشینی را با جدیت پی گرفت. پس از مشورت‌های گسترده و رعایت موازین شرعی و قانونی، حجت‌الاسلام و المسلمین سیدمجتبی خامنه‌ای به عنوان رهبر جدید نظام جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد. این تصمیم، که بر مبنای شایستگی‌های علمی، مدیریتی و التزام به آرمان‌های انقلاب اتخاذ گردید، در واقع تأکیدی بر تداوم



مسیر اصولی نظام است.

انتخاب سیدمجتبی خامنه‌ای به عنوان رهبر، دو پیام کلیدی و آشکار به متحدان و همپیمانان منطقه‌ای و بین‌المللی ایران ارسال می‌کند. نخست، پیام ثبات است؛ این انتخاب نشان می‌دهد که مکانیسم‌های کارآمد و قانونمند کشور، حتی در بحرانی‌ترین شرایط، قادر به تضمین تداوم رهبری و انسجام داخلی هستند. دوم، پیام اقتدار است؛ نظام سیاسی ایران با این تصمیم، عزم راسخ خود را برای حفظ مسیر انقلاب، دفاع از حاکمیت ملی و تقویت جایگاه منطقه‌ای بدون وقفه یا انحراف، به وضوح اعلام می‌دارد. این روند، بار دیگر بر استحکام نهادهای جمهوری اسلامی و عدم تأثیرپذیری آن از اراده دشمن صحنه می‌گذارد.

## انتخاب رهبر جدید انقلاب، تکلیف بازیگران خارجی

## راد رقبال ایران روشن کرد.



انتخاب رهبر جدید در جمهوری اسلامی ایران صرفاً یک تحول داخلی نبود؛ این رخداد در عمل تکلیف بازیگران خارجی را نیز در قبال ایران روشن کرد. در نظام سیاسی ایران که رهبری نقشی تعیین‌کننده در جهت‌گیری‌های کلان سیاست خارجی و امنیتی دارد، مشخص شدن سریع و قاطع رهبر جدید به معنای ارسال پیامی روشن به جهان درباره تداوم مسیر و ثبات ساختاری نظام است. پیش از انجام این انتخاب، بسیاری از کشورها - از همسایگان گرفته تا قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانده‌های - با نوعی ابهام راهبردی درباره آینده ایران مواجه بودند. در چنین وضعیتی، دولت‌ها معمولاً سیاست‌های خود را بر پایه انتظار و احتیاط تنظیم می‌کنند و تلاش می‌کنند از فضای

عدم قطعیت برای تغییر موازنه‌ها یا افزایش فشار بهره ببرند. اگر فرآیند تعیین رهبری به سرعت و با قطعیت انجام نمی‌شد، این ابهام می‌توانست برای مدت طولانی ادامه یابد و معادلات منطقه‌ای را در وضعیت ناپایدار قرار دهد. با تحقق این انتخاب، کشورهای همسایه و منطقه‌ای دریافته‌اند که چارچوب‌های اصلی سیاست منطقه‌ای ایران ادامه خواهد یافت و باید مناسبات خود را با همین واقعیت تنظیم کنند. برای متحدان و هم‌پیمانان ایران نیز این رخداد نشانه‌ای از تداوم حمایت‌ها و استمرار جهت‌گیری‌های کلان جمهوری اسلامی بود؛ امری که مانع از ایجاد خلأ یا تزلزل در شبکه روابط منطقه‌ای ایران شد.

در مقابل، کشورهای رقیب و متخاصم نیز با واقعیتی روشن مواجه شدند: ساختار سیاسی ایران از ظرفیت بالایی برای بازتولید ثبات و استمرار برخوردار است. فضایی که می‌توانست در صورت طولانی شدن فرآیند انتخاب به میدان گمانه‌زنی، فشار یا حتی تغییر محاسبات جنگی تبدیل شود، با این تصمیم عملاً پایان یافت.

از این منظر، اصل انتخاب و به‌ویژه شخص منتخب، نقش تعیین‌کننده‌ای در پایان دادن به ابهام خارجی درباره آینده ایران داشت. رخدادی که نه تنها ثبات داخلی را تقویت کرد، بلکه چارچوب تعامل کشورهای منطقه، هم‌پیمانان و حتی رقبای ایران را نیز به سرعت روشن ساخت.

## خسارت ها و هزینه های جنگ موجب تجدید نظر در آرمان های ملت ایران نشده است.

بنیاد جامعه معاصر ایران، حاصل انباشت تاریخی ایمان در این سرزمین است؛ لذا آرمان های ملی ایرانیان تنها زمانی دچار تزلزل می شود که سرمنشأ آن، یعنی استحکام ایمانی جامعه دچار تزلزل شود؛ غیر از این، هرچه خسارت مادی به بار آید و هزینه های سیاسی-اقتصادی بر جامعه تحمیل شود، جامعه در راه مقاومت



از آرمان های خود، پا پس نمی کشد! اما دشمن، درک شفافیتی از این هویت تمدنی ندارد؛ لذا پس از شکست در اهداف راهبردی خود، تلاش دارد تا با حملات کور، خسارت و هزینه های جنگ را برای ملت و حاکمیت ایران فزاینده سازد تا آستانه تحمل عمومی جامعه لبریز شود و از این طریق، به اهداف راهبردی خود برسد؛ اما ملت سلحشور ایران، با حضوری بی وقفه و اعجاب آمیز در خیابان ها، خواستار تشدید حملات نیروهای مسلح علیه مواضع مشروع خود هستند و یک صدا خون خواهی رهبر انقلاب را فریاد می کنند. این فریاد انتقام و مطالبه انهدام باند جنایت کار رژیم صهیونیستی، نماد مقاومت ملی ایرانیان در مسیر دستیابی به آرمان های مقدس انقلاب اسلامی است. مسئله اساسی در تجمعات و راهپیمایی های اعتراضی ملت ایران، در بی توجهی آنها نسبت به جنایات دشمن است، اینکه این شب ها هیچ گروهی از مردم، مطالبه توقف تجاوز ندارند، اظهار مظلومیت نمی کنند، از هیچ نهاد بین المللی درخواست کمک یا میانجی گری نمی کنند و حتی از متحدان خود نیز برای کمک، درخواست ندارند! این نه برآمده از روحیه جنگ طلبی است و نه نشانگر وجود عافیت در میان ملت در حال جنگ است، این به وضوح نشان می دهد که ملت ایران علی رغم درگیری گسترده با قدرت اول نظامی جهان، پایبند به آرمان های خود مانده است و اگر فشار و سختی ای به سراغ آن آید، صرفاً با استغاثه به خداوند و امام زمانش، آن را حل می کند، استغاثه ای که آن نیز روحیه ای حماسی دارد و هرگز عافیت طلبی ندارد، لذا ملت ایران در این شب ها، خیابان را به استغاثه برای امداد الهی و حضرت حجت در مسیر تداوم مقاومت به منظور پیروزی پر کرده اند.

## شجاعت و انقلابی بودن نهاد فقهت شیعه به اثبات

### رسید.

نهاد فقهت شیعه در طول تاریخ، به‌ویژه در بزنگاه‌های سیاسی و اجتماعی، نقشی تعیین‌کننده در تحولات ایفا کرده است. شجاعت نهادی به معنای توانایی یک نهاد در اتخاذ تصمیم‌هایی است که ممکن است با هزینه‌های اجتماعی، سیاسی یا حتی انسانی همراه باشد، اما از منظر فقهی یا اصولی قابل دفاع تلقی می‌شود. چنین رویکردی نشان‌دهنده پویایی فقه سیاسی در مواجهه با مسائل معاصر است. فقهی که می‌کوشد ضمن حفظ اصول بنیادین، با اقتضائات زمانه نیز تعامل داشته باشد.

پس از تجاوز وحشیانه دشمن به ساحت مقدس رهبر معظم انقلاب اسلامی، انقلاب اسلامی در بزنگاه تاریخی جدیدی قرار گرفت و همچون گذشته، نهاد فقهت، متولی عبور دادن آن از این مقطع حساس شد. این امر در حالی رخ داد که این نهاد با مجموعه‌ای از فشارهای درونی و بیرونی مواجه بود؛ فشارهایی از تهدیدهای جانی اعضای این نهاد گرفته تا تهدید مستقیم رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر دخالت در فرایند انتخاب این نهاد، و نیز فشار برخی جناح‌های داخلی و حتی برخی جریان‌های همسو که بر تسریع در فرایند انتخاب تأکید داشتند. مجموعه این فشارها، در کنار اصل مهم انتخاب فرد شایسته و پیچیدگی‌های آن، سبب شد این نهاد در شرایطی از شدیدترین فشارهای داخلی و خارجی، به انجام وظیفه محوله خود مبادرت کند.

اقدام این نهاد در انتخاب آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای رحمته‌الله‌علیه به عنوان سومین رهبر انقلاب اسلامی، نشانه شجاعت و انقلابی بودن این نهاد تلقی می‌شود. یکی از مهم‌ترین عناصر انقلابی بودن، شناخت دشمن و مقابله با اقدامات اوست. دشمن که به دنبال انحراف انقلاب اسلامی از مسیر چهل‌وهفت‌ساله آن، تلاش داشت پس از شهادت رهبر معظم انقلاب، با تحمیل عنصری سازش‌کار در رأس قدرت، روند سلطه کم‌هزینه و بی‌قیدوشرط بر ایران را، همانند آنچه در برخی کشورها مانند ونزوئلا تجربه کرده بود، دنبال کند.

مجلس خبرگان با شناخت دقیق طرح دشمن، بدون هراس از تهدیدهای مکرر و تأثیرپذیری از فشارهای سیاسی، اجتماعی و رسانه‌ای، با انتخاب آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای حفظه‌الله مسیر تقابل صریح با دشمن را برگزید. این اقدام نشان داد که نهاد فقهت، مبتنی بر مبانی اسلامی و با تکیه بر خداوند متعال، هرگز در برابر دشمنان اسلام و انسانیت ضعف نشان نداده و به آرمان‌های انقلاب اسلامی و امامین انقلاب کاملاً پایبند است. این اقدام را می‌توان تجلی سخن رهبر شهید انقلاب دانست که فرمود: «مثلی لا یبایع مثل یزید». مجلس خبرگان نیز با اتکا به مبانی اسلام و پشتوانه مردم انقلابی ایران، بار دیگر این منطق عاشورایی را در تاریخ به منصف ظهور رساند.

## طولانی شدن فرایند معرفی رهبر جدید، حاکی از واقعی بودن انتخابات است.

علیرغم القائات چندید ساله دشمنان در تخریب ساختارهای سیاسی و نهادی جمهوری اسلامی، اما در بزنگاه‌های مختلف تاریخی، کارآمدی و نقش آفرینی این نهادها به خوبی مشخص شده است. مجلس خبرگان یکی از این نهادها بود که همواره دشمن بر تشریفاتی بودن و ناکارآمدی آن، تاکید ویژه داشت. پس از شهادت رهبر معظم انقلاب اسلامی، نقش محوری این نهاد به خوبی مشخص شد. اولین نکته‌ای که در این امر حائز اهمیت است، استقلال رای و درایت اعضای این نهاد است. افرادی که در واقع امین مردم ایران در اقصی نقاط کشور محسوب می‌شوند و سلامت نفس و عدالت و فقاقت آنها توسط اқشار مختلف مردم تایید شده است، متولی این انتخاب هستند و به طور طبیعی، چنین افرادی هیچگاه بدون حجت شرعی و قانونی، اقدامی انجام نخواهند داد.

نکته دوم در طولانی شدن این فرایند است. علیرغم اینکه اقتضای شرایط اینگونه بود که گذشت زمان و تاخیر، به ضرر انقلاب اسلامی بود، اما اصل انتخاب اصلح مقدم داشته شد و گذشت یک زمان ده روزه، نشانه انتخاب دقیق و موشکافانه رهبر جدید توسط این شورا است. نکته دیگر، توجه به اقدامات دشمن است. تهدیدها و فشارهای مختلف سیاسی و اجتماعی و تهدید مستقیم اعضای مجلس خبرگان و مبارزان جلسات، نشان از کارآمدی و تاثیرگذاری این نهاد دارد. درواقع اگر این نهاد، صرفاً یک نهاد تشریفاتی می‌بود، دلیلی وجود نداشت که دشمن تلاش کند تا با تهدید و ارعاب، بر فرایند این انتخاب تاثیر گذاری کند یا سعی در از بین بردن اعضای آن را داشته باشد.

موضوع دیگر این است که انتخاب آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای حفظه الله، به عنوان رهبر جدید انقلاب اسلامی نیز نشانه‌ای از حریت و شجاعت این افراد است و نشان دهنده بررسی موشکافانه طرح و نقشه دشمن و همچنین انتخاب بهترین گزینه برای تقابل با این نقشه است. در حالیکه اگر انتخاب، تشریفاتی و نمادین بود، ممکن بود با اقتضائات زمانه و تقابل با نقشه دشمنان، مطابقت نداشته باشد یا اینکه اگر این اعضا، خدایی نکرده بدون حجت شرعی می‌خواستند فردی را انتخاب کنند، شاید انتخاب یک گزینه سازشکار و کم هزینه، نیز می‌توانست به منافع شخصی این افراد نزدیک‌تر باشد. اما در عمل ما دقیقاً خلاف این موارد را شاهد هستیم. اقدام شجاعانه آنها در برگزاری جلسه حضوری و طی کردن کامل فرایند قانونی این نهاد، در حالیکه تحت بمباران شدید دشمن هر دو ساختمان این نهاد در قم و تهران تخریب شده بود، نشان دهند تعهد شرعی و قانونی این افراد به وظیفه خود است و شبهه تشریفاتی بودن این نهاد یا متعهد نبودن اعضای آن را به کلی خنثی می‌کند و از بین می‌برد.

## التهابات روزهای گذشته، منزلت و ارزش جایگاه ولایت فقیه را بیش از پیش عیان کرد.



پس از شهادت رهبر کبیر انقلاب، کشور کمتر از ده روز به خود رهبر ندید و تا انتخاب رهبر سوم جمهوری اسلامی، شورای موقت رهبری تشکیل شد. طی همین مدت ناچیز، اظهارنظرهای گوناگونی و عجیبی از جانب چهره‌های مختلف سیاسی درباره اداره کشور و جنگ

مطرح می‌شد و حتی در خصوص زمان و شیوه انتخاب و اعلام رهبری که مسئولیت مجلس خبرگان رهبری است نیز این مداخله به چشم می‌خورد. اما با وجود انسجام نیروهای مسلح که پایبند به برنامه و طراحی‌های رهبر شهید انقلاب مانده بودند، افکار عمومی جامعه دچار التهاب شده بود، زیرا جامعه ایران پس از انقلاب، به این روند عادت پیدا کرده بود که در تمام التهابات و تحولات مهم کشور، شخص اول حاکمیت به صورت مستقیم با آنها صحبت کند و مسیر کلی نظام را ترسیم کند و اصول حرکت آن را تبیین نماید، اتفاقی که در فقدان رهبر شهید انقلاب، جامعه خلأ آن را به جد احساس می‌کرد و در روزهای منتهی به اعلام رسمی رهبر انقلاب، تحمل خود را از دست داده بود و در جهت مطالبه اعلام آن، به خیابان‌ها آمده بود. اما این خلأ صرفاً به افکار عمومی جامعه ایران مرتبط نبود، در ساختار سیاسی کشور، حقیقتاً این جایگاه دچار خلأ شده بود و با پیام ویدیویی رئیس جمهور محترم جمهوری اسلامی و حواشی پیرامون آن در سطح کشور و جهان، این خلأ بیش از پیش احساس شد که ساختار حاکمیت ایران، نیازمند جایگاه ولایت فقیه در قامت پاسداری و دیده‌بانی حرکت کلی نظام به سمت هدف‌های آرمانی و عالی‌اش است؛ بنابراین امروز نهاد سیاست ایران و جامعه ایران معنای آنچه رهبر شهید انقلاب فرموده‌اند را بیش از پیش درک کردند: «ولایت فقیه، جایگاه مهندسی نظام و حفظ خط و جهت نظام و جلوگیری از انحراف به چپ و راست است؛ این اساسی‌ترین و محوری‌ترین مفهوم و معنای ولایت فقیه است.»

## جنگ و شهادت آقا بحران دوران جانشینی را به فرصتی بزرگ برای ملت ایران تبدیل کرد.

چالش تغییر رهبری مختص جمهوری اسلامی نیست؛ در تاریخ تشیع و عصر ائمه علیهم السلام نیز بارها مطرح بوده است. زعامت ۳۷ ساله و مقتدرانه آیت الله خامنه‌ای، همواره این سؤال را برجسته می‌کرد که پس از ایشان چه خواهد شد؟ امام شهید همواره در پاسخ می‌فرمودند همان دستی که در سال ۶۸ خبرگان ملت را هدایت کرد، در روز موعود نیز چنین خواهد کرد.

با این حال، فتنه‌گری‌های سیاسی و تلاش مستمر دشمن برای سوءاستفاده از تغییر رهبری، نگرانی‌های عمیقی ایجاد کرده بود. این دغدغه‌ها در بستر ۱۵ سال تحریم، اقتصاد نابسامان، هجمه تبلیغاتی دشمن، افت مشارکت انتخاباتی و شکسته شدن نمادین حرمت حجاب، شدت می‌یافت. تردیدهای حاکم بر افکار عمومی، دشمن را به طمع انداخت؛ طمعی که آثارش در اغتشاشات دی‌ماه و شهادت بیش از ۲۰۰ نفر با فراخوان پهلوی فاسد نمایان شد. از این رو، امکان بحران آفرینی دشمن از انتقال قدرت، به‌ویژه با توجه به اینکه بهترین گزینه خبرگان فرزند رهبری فعلی بود، نشانه‌های یک بحران قطعی اجتماعی را ترسیم می‌کرد.

اما دست غیب الهی ملت را رها نکرد. دشمن با تحمیل جنگی تمام‌عیار، ناخواسته نهضت عاشورا را برای ملت زنده کرد. شهادت رهبری در آغاز این جنگ، صداقت او را در پایبندی حسینی به انقلاب ثابت کرد و هویت عاشورایی ملت را به جوشش درآورد. برخلاف محاسبات دشمن، این شهادت مردم و نظام را خرد نکرد؛ بلکه توده‌های مردم و نیروهای مسلح را برای حفظ انقلاب توحیدی به میدان کشاند و بحران احتمالی تغییر رهبری را به فرصتی برای تجلی اقتدار انقلابی بدل ساخت.

در این چیدمان الهی، انتخاب فرزند شایسته امام شهید، نه به عنوان موروثی شدن قدرت، بلکه پاسخی فطری برای تداوم راه خامنه‌ای جلوه کرد و کاملاً مورد پذیرش مردم مؤمن قرار گرفت. اگر این انتقال در شرایط عادی رخ می‌داد، تبلیغات دشمن فضایی فتنه‌گون حتی میان نیروهای حزب‌اللهی رقم می‌زد. اما دریافتیم که این انقلاب از جای دیگری هدایت می‌شود و خداوند در سخت‌ترین شرایط نیز اجازه خروج آن از مسیر اصلی را نمی‌دهد؛ که این مصداق حقیقی «عسی أن تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم» بود.

فقدان رهبر عزیزمان بسیار تلخ است، اما دشمن نادان، امام شهیدمان را به آرزویش رساند، او را به اسطوره ایرانیان بدل ساخت و «خامنه‌ای جوان» را به عنوان فرصتی مجدد برای زندگی در سایه راهبری این اسطوره، به ملت معرفی کرد.

## جبهه مقاومت با این انتخاب نسبت به تداوم حمایت ها و پشتیبانی های گذشته اطمینان قلب پیدا کرد.

### پیدا کرد.



بیت جبهه جهانی مقاومت از ضد ملت جهان با آیت الله سید مجتبی خامنه ای ولی فقیه زمان ما جوانان حامی مقاومت از بیش از یکصد ملت جهان، به پاس تعیین ولی امر مسلمین جهان، حضرت آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه ای (دامه الله تعالی) خدای عالم را خالصانه سپاس می گویم و بیعت خود را با معظم له اعلام می داریم. در این برهه تاریخی با صدایی رسا عهد می بندیم تا در کرباب این رهبر مجاهد تا ریشه کن کردن امپریالیسم و استکبار جهانی و برپایی تمدن اسلامی از پای نشینیم و تا آخرین قطره خون، مطیع فرامین ایشان باشیم.

نحن الشباب المؤمنون المقاتلون ممن أكثر من مئة جنسية حول العالم، نقدم بخاص الشكر والحمد لله تعالى على تعيين ولي امر المسلمين في العالم، سماحة آية الله السيد مجتبي الحسيني الخميني (دام ظلّه العالی)، ولعلنا وبیننا وولنا السمتة.

وفي هذه المرحلة التاريخية، نعهد بصدق على أن نسبر في ركب هذا القائد المجاهد، ولا نتوقف حتى اقتتاع الإمبريالية والعدو تكبر العالمي جذورها، وإقامة الحضارة الإسلامية، وأن نظل مسلمين مؤمنين حتى آخر قطرة من دمائنا.

We, the youth supporters of the Resistance from more than one hundred nationalities around the world, sincerely thank Almighty Allah for the designation of the Guardian of the Muslim world, His Eminence Ayatollah Sayyid Mojtaba Hosseini Khamenei (may his shadow be prolonged) and we declare our allegiance to him.

At this historic moment, with a resounding voice, we pledge that we will not rest while standing in the ranks of this mujahid leader until imperialism and global arrogance are eradicated and the Islamic civilization is established; and that we will obey his commands to the last drop of our blood.

SHABALMO QAWAMA.COM

هر نوع آشوب، بی ثباتی و اغتشاش در ایران، التهاب سنگینی را در جبهه مقاومت ایجاد می کند و این التهاب در جریان مقاومت، گاه به مراتب بیشتر از التهاب هایی است که ایشان از حوادث زندگی شخصی خودشان تجربه می کنند. لذا اهمیت نقش، موقعیت و شخص رهبر ایران زمانی مشخص می شود که توجه داشته باشیم پشتیبانی و حمایت از جبهه مقاومت، در مرحله اول مستقیماً به شخص رهبری به عنوان رهبر جبهه مقاومت گره خورده است. بنابراین نگرانی جدی جبهه مقاومت در نامشخص بودن وضعیت رهبری ایران کاملاً واقعی بوده است و آنها دلهره این را داشتند که چنانچه فرد منتخب

خبرگان، با مسائل جریان مقاومت ارتباط و آشنایی نزدیکی نداشته باشد، همین ابهام موقت در مقاومت منطقه، تا مدت ها تداوم پیدا خواهد کرد. اما با انتخاب آیت الله سید مجتبی خامنه ای به عنوان سومین رهبر انقلاب اسلامی ایران، جریان مقاومت به اطمینانی قلبی رسید زیرا ایشان سال ها در امور مرتبط با جریان مقاومت در منطقه فعالیت داشته اند و از مسائل و جزئیات پیرامون مسائل جریان مقاومت آگاهی دارند. بعلاوه ایشان شخصیت آشنایی برای جریان مقاومت محسوب شده و حتی برخی چهره های جبهه مقاومت، سابقه آشنایی از نزدیک با ایشان دارند. این آشنایی برای جبهه مقاومت، قوت قلبی است که می تواند آینده تعاملات ایران و جریان مقاومت را تقویت کند و قدرت ملت های مسلمان و آزاده منطقه را افزایش دهد. از این پس، حضور آیت الله سید مجتبی خامنه ای در قامت رهبر انقلاب اسلامی ایران در موقعیت این جنگ منطقه ای، حضوری اطمینان بخش و وحدت بخش و مسلط خواهد بود که ان شاء الله به اقتدار آرایش جبهه مقاومت در جنگ منطقه ای خواهد افزود.

## پیام نهم

## با انتخاب رهبر جدید، شرکای راهبردی ایران احساس ثبات قدم در هم پیمانی با ایران پیدا کردند.

روسیه و چین در مسیر تبدیل شدن به شرکای راهبردی ایران هستند. آنچه قبل از هرچیزی برای این دو بازیگر جهانی مهم است، قدرت، استقرار، ثبات قدم و استمرار خط ایستادگی ایران و نوع سیاست‌های ایران در منطقه و جهان است. این کشورها به خوبی معادلات و مناسبات و اختلافات و چهره‌های سیاسی ایران را می‌شناسند. نوع مواجهه پوتین در سفر خود به ایران، این را به خوبی نشان داد. وی اعتنای چندانی به روحانی نکرد و از فرودگاه مستقیماً به دیدار امام خامنه‌ای شهید رفت. این دو کشور، طرف حساب اصلی و نهایی خود را برای تنظیم سیاست‌هایشان، رهبری ایران می‌دانند. لذا جنگی که ترامپ جنایتکار با



ترور رهبر انقلاب علیه ایران آغاز کرد، برای آنها بسیار نگران کننده بود که باتوجه به نفوذ جریان غربگرا و فشار ترامپ برای تعیین رهبری همسو با آمریکا و رژیم صهیونیستی، چه آینده‌ای در انتظار حاکمیت ایران قرار دارد. اما با برگزیدن آیت‌الله سید مجتبی‌خامنه‌ای به عنوان رهبر سوم جمهوری اسلامی از جانب مجلس خبرگان اسلامی، چین، روسیه و شرکای راهبردی ایران به وضوح اطمینان پیدا کردند که همان مسیری که توسط امامین انقلاب ریل گذاری شده است، تداوم پیدا خواهد کرد. این احساس در پیام‌های این دو کشور پس از اعلام رهبری ایشان کاملاً آشکار بود. بنابراین، این دو کشور در این موقعیت که تقابل ایران با رژیم صهیونیستی و آمریکا به مرحله جدیدی از جنگ رسیده است، با اطمینان بیشتری سمت ایران خواهند ایستاد. در مجموع هر قدر پیروزی ایران آشکارتر باشد، معنای واقعی‌تری از شراکت راهبردی در میان سه کشور ایران چین و روسیه پدید خواهد آمد.

## جریان های اپوزیسیون و سلطنت طلب به طور کامل با این انتخاب امید خود را از دست داد.



استحکام مجلس خبرگان رهبری بر آرمان های انقلاب اسلامی در طی فرایند انتخاب رهبری و در نهایت برگزیدن آیت الله سید مجتبی خامنه ای، به عنوان سومین رهبر انقلاب اسلامی، بدترین سناریویی که برای جریان های سلطنت طلب و اپوزیسیون وجود داشت را فعال کرد. این بدترین آینده ای بود که آنها برای خودشان متصور می شدند، فردی که منظومه علمی و فکری اش، سوابق اجرایی اش، روحیات شخصی و شخصیت فردی و خانوادگی اش و در مجموع تمام ابعاد هویتی اش، بیشترین تطابق را با آرمان های انقلاب اسلامی دارد، رهبر بعدی انقلاب اسلامی شود. البته جریان سلطنت طلب، پیش از این نیز با موضوعی که ترامپ علیه شاهزاده حقیرشان

گرفته بود، از هم گسیخته شده بود و آینده خودشان را در سرگردانی دنبال می کردند، اما جریانات اپوزیسیون نیز امروز ناامید هستند. آنها دلبسته به فروپاشی سیاسی یا حداقل انتخاب گزینه ای از داخل کشور بودند که بتوانند از طریق او، ساختار حاکمیت را به گونه ای تحت تسلط بگیرند که آرمان های انقلاب را به محاق برده و کشور را به سمت سازش با آمریکا و عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی سوق دهد. اما حالا با شکست دشمن در ترور آیت الله سید مجتبی خامنه ای و به رهبری رسیدن ایشان، امید واهی این جریانات به موفقیت در این نبرد کاملاً از بین رفته است و به وضوح می بینند که هیچ یک از اهداف راهبردی آنها محقق نشده است. همچنین انرژی و صف ناپذیری که ملت ایران با دریافت این خبر پیدا کرد، عامل دیگری در سلب روحیه از جریانات معاند بوده است. این کابوس آنهاست که امروز می بینند ملت ایران، مستحکم تر از قبل، درباره آینده، نظم سیاسی جدید و قدرت منطقه ای و جهانی انقلاب اسلامی صحبت می کند.

## این انتخاب، انگاره عقب نشینی و تسلیم ایران در جنگ راه کالی منتفی ساخت.

در شرایطی که یک ساختار بزرگ با فشارهای بیرونی و تهدیدهای چندلایه مواجه می‌شود، اولین متغیر اثرگذار بر ادراک طرف مقابل، وضعیت رهبری و هدایت کلان آن ساختار است. هرگونه ابهام، تعلل یا خلأ در این سطح، می‌تواند این تصور را ایجاد کند که مجموعه در مسیر عقب‌نشینی، فرسایش یا حتی تسلیم قرار گرفته است. برعکس، تثبیت سریع و شفاف رهبری، این انگاره را به طور کامل خنثی می‌کند. انتخاب و استقرار رهبری جدید، اگر با نظم، قاطعیت و پذیرش عمومی همراه باشد، حامل پیامی روشن است: چرخه تصمیم‌گیری متوقف نشده و اراده ادامه مسیر همچنان فعال است. در چنین وضعیتی، محاسبات مبتنی بر ضعف یا فروپاشی، از اساس دچار خطا می‌شوند. انتخاب فرزند رهبر شهید انقلاب اسلامی



یعنی تداوم همان اندیشه استکبارستیزی و روحیه جهاد و شهادت و این به معنی عدم تسلیم و عقب‌نشینی از حقوق و منافع ملت ایران است، زیرا طرف مقابل درمی‌یابد که تغییر در سطح مدیریت، به جای ایجاد گسست، منجر به تداوم و حتی بازتولید انسجام شده است. از منظر راهبردی، رهبری صرفاً یک جایگاه نمادین نیست؛ بلکه مرکز ثقل تصمیم‌سازی، هماهنگی و جهت‌دهی است. زمانی که این مرکز بدون وقفه و با مشروعیت عمل می‌کند، پیام روشنی به محیط بیرونی ارسال می‌شود: فشار، منجر به عقب‌نشینی نشده و خواهد شد. این پیام، عملاً فضای مانور روانی و تبلیغاتی دشمن را محدود می‌کند. برای نخبگان و افکار عمومی، درک این نکته اهمیت دارد که بسیاری از برداشت‌های امنیتی نه از واقعیت‌های میدانی، بلکه از نشانه‌های ثبات یا بی‌ثباتی در رأس هدایت شکل می‌گیرند. تثبیت رهبری، این نشانه را به صراحت منتقل می‌کند که ساختار همچنان قادر به مدیریت بحران، اتخاذ تصمیم و ادامه مسیر است. در نهایت، تداوم رهبری منسجم یکی از مؤثرترین عوامل در نفی انگاره تسلیم است؛ عاملی که بدون نیاز به شعار، با عمل و ثبات، پیام پایداری را مخابره می‌کند.

## نهاد حکمرانی و مسئولین ارشد نظام با رهبری آماده به کار و بالفعل برای اداره امور کشور رو برو هستند.



در هر نظام سیاسی، انتقال رهبری یکی از حساس ترین مقاطع نهادی است؛ زیرا نه تنها تغییر یک فرد، بلکه بازتنظیم شبکه‌ای از روابط تصمیم‌گیری، هماهنگی‌های نهادی و اعتمادهای سازمانی رخ می‌دهد. از این منظر، یکی از معیارهای مهم در انتخاب جانشین رهبر، میزان آمادگی نهادی سیستم برای کار با او در کوتاه‌ترین زمان ممکن است. اگر فردی انتخاب شود که نهادهای اصلی حاکمیتی، مسئولان ارشد و شبکه‌های مدیریتی کشور بتوانند بلافاصله با او به سطحی از هماهنگی

عملیاتی برسند، عملاً از شکل‌گیری یک هزینه فرصت چندساله در مدیریت کشور جلوگیری می‌شود. در مقابل، اگر فردی به رهبری برسد که برای بخش‌های مختلف حاکمیت از نظر تجربه تعامل، شناخت متقابل یا سازوکارهای ارتباطی هنوز به سطح آمادگی عملیاتی نرسیده باشد، نظام تصمیم‌گیری ناگزیر وارد دوره‌ای از یادگیری نهادی خواهد شد. در این دوره، مدیران و نهادها باید به تدریج الگوی تصمیم‌گیری، شیوه مدیریت، اولویت‌ها و سبک تعامل رهبر جدید را بشناسند و با آن تطبیق پیدا کنند. چنین فرآیندی در بهترین حالت چند سال زمان می‌برد و در این فاصله، سرعت تصمیم‌گیری، انسجام سیاست‌گذاری و کارآمدی اجرایی ممکن است کاهش یابد. این دوره گذار، در واقع نوعی هزینه فرصت برای کشور ایجاد می‌کند. زیرا در حالی که نظام مدیریتی درگیر تنظیم روابط و قواعد جدید است، فرصت‌های سیاستی، اقتصادی و راهبردی ممکن است از دست برود یا با تأخیر پیگیری شود. تجربه نظام‌های سیاسی مختلف نشان می‌دهد که هرچه فاصله شناختی و نهادی میان رهبر جدید و ساختارهای قدرت بیشتر باشد، این دوره گذار طولانی‌تر و پرهزینه‌تر خواهد بود.

در مقابل، انتخاب فردی که پیش‌تر در تعامل نزدیک با نهادهای کلیدی حاکمیتی قرار داشته و شبکه‌های مدیریتی کشور با شیوه تصمیم‌گیری و اولویت‌های او آشنا هستند، می‌تواند این دوره گذار را به حداقل برساند. در چنین حالتی، سیستم تقریباً بدون وقفه وارد مرحله استمرار سیاست‌گذاری می‌شود و ظرفیت‌های مدیریتی کشور صرف حل مسائل اصلی می‌گردد، نه سازگاری داخلی. به همین دلیل در انتقال رهبری میزان آمادگی سیستم برای کار با آن فرد اهمیت تعیین‌کننده دارد. هرچه این آمادگی بیشتر باشد، هزینه فرصت ناشی از انتقال قدرت کمتر خواهد بود و کشور از یک دوره چندساله تطبیق و هماهنگ‌سازی پرهزینه مصون می‌ماند.

## انتخاب رهبر جدید، حس غرور ملی و خونخواهی ملت ایران را احیا کرد.

در شرایطی که در یک جنگ نابرابر و ناعادلانه، رهبر انقلاب شهید شده و به کشور تجاوز شده است، نحوه انتخاب جانشین رهبر شهید انقلاب، حامل معناهای اجتماعی عمیق‌تری شده است. جامعه‌ای که در میانه یک جنگ خارجی قرار گرفته است، معمولاً در سطح افکار عمومی به دنبال نوعی بازنمایی از اراده جمعی خود در ساختار قدرت است. به بیان دیگر،



مردم می‌خواهند اطمینان یابند که واکنش و حساسیت آنان نسبت به جنگ بیرونی در سطح تصمیم‌گیری‌های کلان نیز انعکاس یافته است. در این چارچوب، نوع انتخاب جانشین می‌تواند به‌گونه‌ای تفسیر شود که جامعه احساس کند نگرش، حساسیت و انتظار عمومی آن در برابر مهاجم در این تصمیم‌نهادی بازتاب یافته است. هنگامی که چنین همخوانی میان احساس عمومی جامعه و سازوکارهای نهادی شکل می‌گیرد، نوعی هم‌افزایی میان افکار عمومی و ساختار سیاسی پدید می‌آید. این هم‌افزایی به تقویت مشروعیت انتخاب و افزایش اعتماد اجتماعی کمک می‌کند.

جامعه ما در انتخاب صورت‌گرفته نوعی ترجمان از اراده و واکنش خود را مشاهده می‌کند، به همین دلیل، این تصمیم به مثابه انعکاس اراده عمومی برای ایستادگی، استمرار و حفظ مسیر جمعی تلقی می‌گردد. در شرایطی که جنگ وجود دارد، چنین بازنمایی‌ای اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. زیرا جامعه نیاز دارد اطمینان یابد که واکنش طبیعی آن در برابر تهدید-یعنی حفظ عزت ملی، پایداری و دفاع از هویت جمعی-در سطح تصمیم‌های کلان نیز دیده و بازتاب داده شده است. هنگامی که این احساس شکل می‌گیرد، افراد جامعه نوعی همدلی و همراهی عمیق‌تر با روندهای سیاسی پیدا می‌کنند و احساس می‌کنند که انتخاب صورت‌گرفته بیانگر همان روحیه‌ای است که در سطح اجتماعی نیز وجود دارد.

به این ترتیب، انتخاب جانشین به نقطه تلاقی میان ساختار سیاسی و احساس جمعی جامعه تبدیل شده است؛ نقطه‌ای که در آن اراده نهادی و روحیه اجتماعی یکدیگر را تقویت می‌کنند. با این انتخاب، جامعه علاوه بر تداوم رهبری، بازتابی از واکنش و عزم خود در برابر تهدید بیرونی را نیز مشاهده می‌کند. هم‌پوشانی میان اراده نهادی و احساس جمعی به تقویت غرور ملی، حفظ انسجام اجتماعی و استمرار روحیه مقاومت در حافظه فرهنگی جامعه یاری رساند.

## این انتخاب باعث قوت قلب نیروهای مسلح شده

است.



آغاز هر جنگی همواره با فراز و نشیب‌های فراوان همراه است، اما آغاز جنگ ترکیبی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران با حادثه‌ای عمیقاً دردناک و تأثیرگذار همراه شد. دشمن که سال‌ها در برابر هیمنه رهبری و اقتدار آیت‌الله سید علی خامنه‌ای احساس شکست می‌کرد، در اقدامی ناجوانمردانه و در نخستین ساعات تقابل، ایشان را به شهادت رساند. این اقدام تروریستی با این هدف طراحی شده بود که ضربه‌ای روحی به پیکره نظام وارد

کرده و ستون فقرات فرماندهی کشور را در هم بشکنند، اما واقعیت میدان چیز دیگری را رقم زد. در نظام سیاسی دینی جمهوری اسلامی ایران، مفهوم امامت و امت نه یک شعار، که اساس شکل‌دهنده کشور و هویت ملی-دینی است. جایگاه امام در این ساختار، فراتر از یک مدیر اجرایی یا فرمانده نظامی صرف است. امام به مثابه نقطه پیوند اراده الهی با اراده مردم و نماد تداوم راه انبیا، نقش هدایت‌گر، وحدت‌بخش و الهام‌دهنده را ایفا می‌کند. از این رو، زمانی که بحث از تداوم این جایگاه در شرایط ختیر جنگی مطرح می‌شود، ابعاد آن تمامی ارکان کشور از جمله صحنه نبرد را در بر می‌گیرد.

در چنین شرایطی، انتخاب رهبر جدید که توسط مجلس خبرگان و بر اساس سازوکارهای شرعی و قانونی صورت می‌گیرد، پیامدهای متنوع و عمیقی دارد. یکی از مهم‌ترین و فوری‌ترین پیام‌های این انتخاب برای نیروهای رزمنده مستقر در خطوط مقدم جبهه‌ها است. رزمندگان نگاهشان به فرماندهی معطوف است که نماد پایداری و تداوم خط انقلاب است آگاهی آنان از اینکه خلأ ایجاد شده به سرعت پر شده و امام دیگری در رأس نظام قرار گرفته است، همچون قوت قلبی است که روحیه آنان را مضاعف می‌کند.

این قوت قلب از آنجا ناشی می‌شود که رزمندگان یقین پیدا می‌کنند که تداوم امامت در میدان نبرد، یعنی تداوم رهبری معنوی و تداوم مشروعیت برای ادامه راه. بنابراین، انتخاب رهبر جدید اقدامی راهبردی در بحبوحه جنگ بود که با تقویت ایمان و انگیزه رزمندگان، توان دفاعی کشور را در برابر متجاوزان چندین برابر کرد و بار دیگر پیوند ناگسستنی امت با امام خویش را در سخت‌ترین شرایط به نمایش گذاشت.